

مقایسه ذخیره کربن در دو کاربری درمنه زار دست نخورده و تحت کشت جو (مطالعه موردی در منطقه ایوانکی و سرخه از استان سمنان)

مهشید ابراهیمی^{۱*}، حسین آذر نیوند^۲، محمد جعفری^۳ و حامد جنیدی جعفری^۴

^{۱*} کارشناس ارشد رشته مرتعداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: ebrahimimahshid64@gmail.com

^۲ دانشیار گروه مرتعداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

^۳ استاد گروه مرتعداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

^۴ استادیار گروه مرتعداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۶/۲۷

چکیده

کربن آلی خاک که عمدتاً به عنوان یکی از شاخص‌های اولیه کیفیت خاک در بحث منابع طبیعی، محیط زیست و کشاورزی در نظر گرفته می‌شود، نشان‌دهنده میزان جذب دی اکسید کربن اتمسفری می‌باشد. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، اعلام کرده است که بخش کشاورزی و اراضی کره زمین عامل یک سوم گرم شدن زمین و تغییر اقلیم می‌باشد که این امر ناشی از مدیریت نادرست و تغییر کاربری اراضی است. بر این اساس در این مطالعه، مناطقی در استان سمنان با گونه غالب درمنه دشتی که تبدیل مراتع به اراضی زراعی آبی جو در آن رایج می‌باشد، در نظر گرفته شده است. سپس به منظور تعیین چگونگی تغییر ذخیره کربن خاک در اراضی زراعی آبی جو و اراضی مرتعی هم‌جوار با آنها یک تیمار شاهد (درمنه زار)، دو تیمار کشاورزی در منطقه ایوانکی و یک تیمار کشاورزی در منطقه سرخه انتخاب گردیدند. نمونه برداری از خاک هر تیمار در عمق ۵۰-۰ سانتی متر و به تعداد سه پروفیل در تیمار زراعی و پنج پروفیل در تیمار شاهد انجام شد. میانگین کربن ذخیره شده در هر هکتار از اراضی جو دایر در ایوانکی به ترتیب ۳۰/۹ و ۴۰/۳ تن می‌باشد که ۱۵/۲ و ۱۱/۶ درصد ذخیره کربن ناحیه را به خود اختصاص داده و کشت آن در درمنه زار موجب افزایش ۱۲/۵ و ۶۹ درصدی کربن در خاک گردیده است. این میزان در منطقه سرخه ۳۵ تن در هکتار که ۱۳/۶ درصد ذخیره کربن ناحیه را به خود اختصاص داده و موجب کاهش ۵۵/۲ درصدی کربن در خاک گردیده است، می‌باشد. میانگین ذخیره کربن خاک در درمنه زار ایوانکی و سرخه به ترتیب ۱۶/۰۷ و ۴۰/۲ تن در هکتار می‌باشد. نتایج آزمون تی استیوودنت مستقل بیان گر آنست که با در نظر گرفتن کل مناطق با هم، بین میانگین ذخیره کربن خاک در دو کاربری مرتع و زمین زراعی جو اختلاف معنی داری وجود ندارد، اما با تفکیک منطقه در سایت ایوانکی در سطح ۵ درصد اختلاف معنی داری و در منطقه سرخه اختلاف معنی داری وجود نداشت.

واژه‌های کلیدی: کشت جو، اراضی مرتعی، ذخیره کربن، درمنه زار، استان سمنان.

مقدمه

امنیت غذایی و فعالیت‌های اقتصادی آسیب می‌رساند. کشاورزی یکی از منابع اصلی تولید گازهای گلخانه‌ایی است که در حال حاضر حدود یک سوم از دی اکسید کربن اتمسفری منتشر شده

تغییر اقلیم در عصر حاضر به عنوان مهم‌ترین تهدید برای توسعه پایدار مطرح است که به منابع طبیعی، منابع پایه، محیط زیست، سلامت انسان،

Kollia *et al.* (2009) در بررسی و مقایسه پتاسیل ترسیب کربن خاک بیان نمودند که اختلاف آماری معنی داری در میزان ترسیب کربن در کاربری‌های مختلف اراضی وجود دارد.

جعفری و همکاران (۱۳۸۹) نیز در بررسی مقایسه میانگین ذخیره کربن بین دو کاربری مرتع و مرتع جنگل‌کاری شده، اختلاف معنی داری مشاهده کردند. جنیدی جعفری (۱۳۸۸) نیز با بررسی تبدیل درمنه‌زار به تاغ کاری نشان داد که این تبدیل اراضی منجر به افزایش ذخایر کربن گردیده است.

Aguilar *et al.* (1998) در بررسی اثر کشت بر خاک مراتع نشان داد که ذخیره کربن در نتیجه کشت در اراضی با سنگ مادر ریز بافت، کاهش یافته است. Qi *et al.* (2007) در بررسی اثر تبدیل گراسلندها به اراضی گندم بر میزان انتشار دی اکسید کربن اتمسفری به این نتیجه رسیدند که تبدیل گراسلندها به اراضی گندم موجب کاهش ذخایر کربن گردیده و علت آن را ناشی از تغییر در نوع پوشش گیاهی دانست. بر این اساس تحقیق حاضر در پی آنست که میزان تغییرات میانگین ذخیره کربن خاک درمنه‌زارهای دست‌نخورده نسبت به درمنه‌زارهای تحت کشت جو زراعی در استان سمنان را مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روش‌ها

مشخصات منطقه مورد مطالعه

درمنه‌زارهای ایوانکی و سرخه در ۵ کیلومتری شهر ایوانکی و ۸ کیلومتری غربی شهر سرخه در استان سمنان، بین ۳۴ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی قرار

به علت تغییر در کاربری زمین و افزایش سطح کشاورزی می‌باشد (سرایان و نیک‌پور، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه ۷۵ درصد کربن اکوسیستم‌های خشکی در خاک ذخیره شده است (محمودی طالقانی و همکاران، ۱۳۸۶)، یکی از روش‌های پیشنهادی برای کاهش میزان دی اکسید کربن و افزایش ذخیره جهانی کربن می‌تواند ترسیب دوباره آنها در خاک‌ها باشد. درمنه‌زارها تقریباً در قسمت مرکزی به صورت کمربندی مناطق بیابانی و کویری ایران را احاطه کرده‌اند (مصدیقی، ۱۳۸۶) و خاک‌ها به عنوان یکی از اجزای این اکوسیستم‌ها مطرح و به لحاظ میزان ذخیره کربن حائز اهمیت هستند.

در این خصوص مراتع نیز یکی از اکوسیستم‌های مستعد برای تبدیل اراضی به شمار می‌روند (Tan & Lal, 2005) و با افزایش سریع جمعیت و نیاز بشر به غذا، تقریباً ۴۰ درصد از مراتع جهان به صورت اراضی زراعی مدیریت می‌شوند (Lal *et al.*, 1998).

با توجه به وسعت مراتع، یک تغییر کوچک در میزان ذخیره کربن در اکوسیستم‌های مرتعی به شدت بر میزان غلظت دی اکسید کربن اتمسفری و اقلیم جهانی تاثیر می‌گذارد (Schimel, 1995; Schlesinger & Andrews, 2000; Prentice *et al.*, 2001).

هر گونه تغییر در نوع این اکوسیستم ممکن است سبب کاهش یا افزایش در مقدار ذخیره کربن در خاک گردد.

نتایج Lal (2003) بیانگر آن است که تبدیل اکوسیستم‌هایی جنگلی و مرتعی به اکوسیستم‌های زراعی موجب هدررفت حدود ۳۰ تا ۵۰ تن کربن در هکتار در طول سال می‌شود. جوادی و همکاران (۱۳۹۰) شریفانی (۱۳۸۴)

نظیر از خاک در مناطق تحت کشت جو مجاور در فصل پاییز انجام شد.

به منظور مطالعه خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک در نواحی مورد مطالعه اقدام به حفر سه پروفیل خاک در تیمار تحت کشت جو و پنج پروفیل خاک در درمهنزارهای دست نخورده گردید.

نمونه برداری در هر پروفیل بر اساس عمق خاک و وسعت ریشه دوانی از عمق ۵۰-۰ سانتی متری انجام شد و به آزمایشگاه منتقل گردید. فاکتورهای مورد اندازه گیری خاک نیتروژن، کربن، pH، EC، بافت خاک، درصد سنگ و سنگ ریزه و وزن مخصوص ظاهری بود. کربن آلی از روش والکی - بلاک و نیتروژن خاک از روش کجلاال محاسبه شد.

در ادامه با محاسبه وزن مخصوص ظاهری خاک و ضرب میزان کربن آلی خاک در وزن مخصوص ظاهری، وزن کل کربن ترسیب شده در خاک در واحد سطح مرتع محاسبه شد. به منظور بررسی تغییرات میزان ذخیره کربن در دو منطقه رویشگاهی (ایوانکی و سرخه) و هم چنین در دو کاربری (درمهنزار و درمهنزار تحت کشت جو) از آزمون تی استیودنت مستقل در نرم افزار SPSS استفاده شد.

نتایج خاک

نتایج حاصل از مطالعات خاک شناسی درمهنزارها و درمهنزارهای تحت کشت جو در ناحیه ایوانکی و سرخه در جدول ۱ آورده شده است.

گرفته است. متوسط بارندگی سالانه منطقه ۱۰۳ میلی متر و متوسط دمای سالانه ۱۹/۴۷ درجه سانتی گراد است.

درمهنزارها تحت سازند کنگلومرایی قرار دارند و شیب منطقه تقریباً یکنواخت و کم است. طبق آخرین مطالعات صورت گرفته با استفاده از روش های کمی تحلیل عاملی (مولفه های اصلی) و خوشه بندی در استان مناطق ایوانکی و سرخه، اقلیم خشک و نیمه خشک گرم حاکم است. کاربری اراضی منطقه به صورت مرتعی می باشد که تحت اقدامات کشاورزی مردم منطقه قرار دارد.

روش تحقیق

به منظور تعیین میزان تغییرات ذخیره کربن در اثر تبدیل درمهنزارها به اراضی زراعی آبی تحت کشت جو در دو ناحیه ایوانکی و سرخه ابتدا اقدام به شناسایی مناطقی با قابلیت گونه درمهن دشتی گردید. در انتخاب مناطق مورد مطالعه، ملاک اصلی حداکثر حضور گونه درمهن دشتی و حداقل گونه همراه بود.

سپس در هر یک از نواحی اقدام به شناسایی مناطق تحت کشت جو گردید و در نهایت ۳ منطقه نمونه برداری (۲ منطقه در ایوانکی و ۱ منطقه در سرخه) که هر یک دارای مناطق تحت کشت جو در مجاورت مناطق دست نخورده هستند، برای مقایسه اثر کشت جو انتخاب شدند. در این راستا تیمارهای کشاورزی تحت کشت جو ۱۵ ساله ایوانکی و زمین زراعی تحت جو ۵ ساله سرخه در منطقه ای به وسعت ۲ هکتار برای نمونه برداری انتخاب شد و نمونه برداری نظیر به

بررسی تغییرات میزان ذخیره کربن

نتایج آزمون تی استیودنت مستقل در استان سمنان بیانگر عدم تاثیر معنی دار کشت جو بر ذخیره کربن آلی در عمق ۰-۵۰ سانتی متری است. میزان کل کربن در عمق ۰-۵۰ سانتی متری در

تیمار تحت کشت جو و درمنه زار دست نخورده به ترتیب با میانگین ۳۶/۳۱ و ۴۶/۱۲ تن در هکتار فاقد تفاوت معنی دار می باشند (جدول ۲).

جدول ۱. مشخصات خاک در مناطق نمونه گیری

تیمار	بافت خاک	هدایت الکتریکی (dS/m)	اسیدیته	وزن مخصوص ظاهری (g/cm ³)	کربن آلی (درصد)	میزان کربن در هکتار (Ton/ha)
ایوانکی	شاهد	۰/۹۶	۷/۷۸	۱/۶۷	۰/۲۲	۱۶/۰۷
	کشت جو	۷/۲۶	۷/۵۸	۱/۷۷	۰/۵	۴۰/۳
ایوانکی	شاهد	۰/۹۶	۷/۷۸	۱/۶۷	۰/۲۲	۱۶/۰۷
	کشت جو	۵/۸۹	۷/۵۶	۱/۵۴	۰/۴۴	۳۰/۹
سرخه	شاهد	۲/۰۴	۷/۷۴	۲/۲۴	۰/۷۱	۷۶/۱۷
	کشت جو	۱۰/۰۹	۷/۹	۲/۳۳	۰/۳۸	۳۵

جدول ۲. مقایسه ذخیره کربن در دو حالت شاهد و کشت جو در استان سمنان

منبع تغییرات	تیمار	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	نتیجه آزمون
ذخیره کربن خاک (Ton/ha)	شاهد	۴۶/۱۲۴۷	۴/۶۱۴۳۵	۱۰/۹۰۷	۰/۷۰۸	ns
	کشت جو	۳۶/۳۱۷۷	۱۴/۲۳۹۲۲			

هم چنین نتایج آزمون تی در رویشگاه ایوانکی بیانگر تاثیر معنی دار کشت جو بر ذخیره کربن آلی خاک است. کل کربن ذخیره شده در خاک با میانگین ۱۶/۰۷ تن در هکتار در درمنه زار و ۳۷/۲۶ تن در هکتار در اراضی کشاورزی دارای تفاوت معنی دار در سطح ۱ درصد است (جدول ۳).

نتایج در ناحیه سرخه بیانگر تاثیر غیر معنی دار کشت جو بر ذخیره کربن می باشد. هم چنین میزان کل کربن ذخیره شده در خاک با میانگین ۳۵ تن در هکتار در اراضی کشاورزی و ۷۶/۱۷ تن در هکتار در درمنه زار دارای تفاوت معنی دار نمی باشد (جدول ۴).

جدول ۳. مقایسه ذخیره کربن در دو حالت شاهد و کشت جو در استان سمنان در ناحیه رویشگاهی ایوانکی

منبع تغییرات	تیمار	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	نتیجه آزمون
ذخیره کربن خاک (Ton/ha)	شاهد	۱۶/۰۷	۵/۵۳۷۲۶	۹	-۴/۹۴۷	**
	کشت جو	۳۷/۲۶۸۳	۸/۰۹۶۷۴			

جدول ۴. مقایسه ذخیره کربن در دو حالت شاهد و کشت جو در استان سمنان در ناحیه رویشگاهی سرخه

منبع تغییرات	تیمار	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	نتیجه آزمون
ذخیره کربن خاک (Ton/ha)	شاهد	۷۶/۱۷۳۰	۱۴/۱۰۵۶	۶	۱/۶۱۰	ns
	کشت جو	۳۵/۰۰۸۳	۱۲/۵۰۳۳۰			

بررسی تغییرات مشخصات خاک

نتایج آزمون بیانگر تاثیر اقدامات کشاورزی (کشت جو) در استان سمنان بر میزان رس، سیلت و شن و هدایت الکتریکی خاک در مهنزارها می باشد و نشان دهنده اختلاف معنی دار بین آنها در سطح ۱ درصد است. در مهنزارها بیشترین میزان شن با ۵۵/۶۴ درصد و اراضی زراعی بیشترین میزان سیلت و رس به ترتیب با ۴۲/۴۲ و ۳۵/۶۲ درصد را دارا می باشند. هدایت الکتریکی اراضی زراعی جو (۷/۶۶ دسی زیمنس بر متر) بیشتر از در مهنزارها (۱/۵۰ دسی زیمنس بر متر) می باشد، ولی درصد فاکتورهای دیگر شامل کربن، ازت، اسیدیته، وزن مخصوص ظاهری، درصد سنگ و سنگریزه

از نظر آماری تفاوت معنی داری را نشان ندادند (جدول ۵).

مقایسه میزان ذخیره کربن خاک در مهنزارها در بعد مکانی

نتایج بررسی کربن کل ذخیره شده در خاک در مهنزار در ۲ زیر ناحیه رویشی بیانگر وجود اختلاف معنی دار در سطح ۵ درصد می باشد که نتایج آن در مقدار کربن ذخیره شده در هر هکتار از در مهنزارهای مناطق مورد مطالعه در جدول مربوطه نشان داده شده است (جدول ۶). در ناحیه سرخه با میانگین کربن آلی خاک ۷۶/۲ تن در هکتار بیش از ناحیه ایوانکی با میزان ۱۶/۰۷ تن در هکتار می باشد.

جدول ۵. مقایسه مشخصات خاک در دو حالت شاهد (در مهنزار) و کشت جو در استان سمنان

منبع تغییرات	تیمار	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	نتیجه آزمون
رس	جو شاهد	۳۵/۶۷۲۷ ۲۰/۲۸۸	۱۳/۵۰۲۰ ۴/۱۰۳۳۲	۱۱/۹۹۷	-۳/۴۵۴	**
سیلت	جو شاهد	۴۲/۴۷۲۷ ۲۴/۰۳۲۰	۹/۳۸۷۳۴ ۵/۱۳۷۷	۱۹	-۵/۵۰۰	**
شن	جو شاهد	۲۱/۸۵ ۵۵/۶	۸/۵۴ ۷/۷۸	۱۹	۹/۴۳۴	**
هدایت الکتریکی	جو شاهد	۷/۶۶۲۷ ۱/۵۰	۳/۲۶۹۳۲ ۰/۶۷۸۴۵	۱۰/۹۴۳	-۶/۱۰۵	**
اسیدیته	جو شاهد	۷/۶۷۲۷ ۷/۷۶	۰/۳۶۱۱۲ ۰/۱۳۴۹۹	۴۸	۳/۴۴۳	ns
درصد کربن	جو شاهد	۰/۴۴۹۶ ۰/۷۲۸۱	۰/۱۲۱۸۴ ۰/۶۷۷۳۷	۹/۵۳۰	۱/۲۸۲	ns
درصد ازت	جو شاهد	۰/۰۴۷۸ ۰/۱۲۲۰	۰/۰۱۱۲۱ ۰/۲۱۸۷۲	۹/۰۴۳	۱/۰۷۱	ns
نسبت C:n	جو شاهد	۹/۵۱۳۵ ۸/۸۱۶	۲/۱۶۹۷۷ ۲/۳۸۲۲۲	۱۸/۳۱۷	-۰/۶۹۸	ns
وزن مخصوص ظاهری	جو شاهد	۱/۸۳۶۹ ۱/۹۵۸۹	۰/۴۸۵۸۱ ۰/۴۲۰۵۵	۱۸/۱۴۳	۰/۴۵۹	ns
درصد سنگ و سنگریزه	جو شاهد	۵۱/۲۰۹۰۳ ۶۱/۵۴۵۰	۱۵/۲۰۹۰۳ ۱۱/۴۹۵۷۱	۴۸	۰/۳۲۹	ns

جدول ۶. مقایسه کربن ترسیب شده در خاک درمنه‌زار در ۲ زیر ناحیه رویشی ایوانکی و سرخه در استان سمنان

منبع تغییرات	تیمار	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	نتیجه آزمون
ذخیره کربن خاک (Ton/ha)	ایوانکی	۱۶/۰۷	۵/۵۳۷۲۶	۸	-۳/۳۱۹	*
	سرخه	۷۶/۱۷۳۰	۴/۱۰۶۵۴			

بحث و نتیجه‌گیری

اقدامات کشاورزی، نوع کشت، شرایط اقلیمی و شیب از پارامترهایی هستند که میزان ذخیره کربن را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در این تحقیق، هر دو منطقه مورد مطالعه دارای اقلیم مشابه گرم و خشک و با شیب اندک تقریباً ۱ درصد می‌باشند. بنابراین با بررسی نتایج میزان تغییرات ذخیره کربن در نتیجه کشت جو در درمنه‌زار ایوانکی می‌توان نتیجه گرفت که اقدامات کشاورزی و کشت جو منجر به ایجاد اختلاف معنی‌داری در میزان ذخیره کربن گردیده است. تیمار اول و دوم به ترتیب موجب افزایش ۱۲۰/۵ و ۶۹ درصدی کربن از کاربری اولیه‌اش شده است.

علت این یافته را می‌توان این‌گونه بیان کرد که با توجه به اقلیم خشک حاکم بر منطقه و پوشش گیاهی تنک، کشت جو به علت آبیاری و افزایش بیوماس گیاهی منجر به افزایش ذخایر کربن نسبت به درمنه‌زار مجاور گردیده است (محمودی و حکیمیان، ۱۳۸۲).

Zhao *et al.* (2007) در بررسی تاثیر خصوصیات خاک و آبیاری در گراسلندهای تحت اقدامات کشاورزی نتیجه گرفتند که آبیاری گراسلندها باعث افزایش معنی‌داری در میزان کربن آلی و ماده آلی خاک گردیده است که از این نظر با نتیجه حاصله از این مطالعه مطابقت دارد. هم‌چنین Turner & Koerper (1995) بیان

نمودند که تبدیل اراضی در صورتی که باعث افزایش بیوماس گیاهی شود، سبب افزایش سریع ذخایر کربن گیاهی و افزایش تدریجی کربن خاک می‌شود. علت آن را می‌توان مربوط به آن دانست که در نتیجه آبیاری و کشت و زرع، مواد آلی موجود در خاک حالت تعادل جدیدی پیدا می‌نماید که بمراتب بیش از مقدار اصلی آنها در خاک است (محمودی و حکیمیان، ۱۳۸۲).

Zhang *et al.* (2007) در بررسی تغییرات بیوفیزیکی کربن در اراضی استپی و استپ‌های زیر کشت رفته گزارش کردند که تبدیل استپ‌ها به اراضی زراعی در مناطق نیمه خشک موجب افزایش ذخیره کربن گردیده است که مطابق نتیجه این بخش از تحقیق می‌باشد. هم‌چنین Frank *et al.* (2004) نشان دادند که با افزایش درجه حرارت اراضی زراعی نسبت به استپ‌ها توانایی بیشتری در جذب کربن دارا هستند.

با وجود این، در ناحیه سرخه تاثیر تبدیل درمنه‌زارها به اراضی زراعی آبی جو معنی‌دار نبوده و این تبدیل اراضی موجب کاهش ۵۵/۲ درصد کربن در خاک گردیده است. علت آن را می‌توان در این دانست که با مقایسه میزان ذخیره کربن درمنه‌زارها در بعد مکانی در دو ناحیه مطالعاتی ایوانکی و سرخه، اختلاف معنی‌دار در سطح ۵ درصد مشاهده شد که در ناحیه سرخه با میزان ۷۶/۲ تن در هکتار بیشتر از ناحیه ایوانکی با میزان ۱۶/۰۷ تن در هکتار می‌باشد.

اراضی زراعی موجب کاهش معنی‌دار در میزان کربن آلی خاک گردیده است.

تاثیر اقدامات کشاورزی بر تغییرات ذخیره کربن در اکوسیستم‌ها هنوز به خوبی مشخص نشده است. نتایج بسیاری از تحقیقات در این زمینه بیانگر تاثیر معنی‌دار و مثبت کشاورزی در اکوسیستم‌های طبیعی است و تعدادی از مطالعات نتایج متناقضی را نشان می‌دهند. اگرچه کشاورزی در بسیاری مواقع قادر به تغییر ذخیره کربن در اکوسیستم‌های طبیعی است، اما کمیت این تغییرات به شرایط محیطی منطقه، مدیریت اعمال شده در کشاورزی، نوع گونه کشت شده بستگی دارد. به طور کلی نتایج مطالعه نشان‌دهنده آنست که میانگین ذخیره کربن خاک در بعد مکانی، متغیر می‌باشد. تبدیل درمنه زار با پوشش گیاهی و بیوماس قابل توجه به اراضی تحت کشت جو در کوتاه مدت منجر به کاهش ذخیره کربن و در درمنه زار با پوشش گیاهی تنک موجب افزایش ذخیره کربن خاک می‌گردد. با توجه به این تحقیق که در کوتاه مدت صورت گرفته، مطالعات بلندمدت در زمینه اثر اقدامات کشاورزی در مراتع طبیعی بر میزان ذخایر خاک (Smith et al., 1997; Smith et al., 2000; Smith et al., 2001; Smith et al., 2002) به منظور تصمیم‌گیری قطعی و در راستای مدیریت پایدار پیشنهاد می‌گردد.

منابع

۱) جعفری، ا.، محمدی، پ.، و حسینی، و.، ۱۳۸۹. مقایسه اثر جنگل‌کاری سوزنی برگ و پوشش مرتعی بر روی برخی خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک، مطالعه موردی: جنگل‌کاری حسن آباد سنندج. سنندج

در سرخه به دلیل وضعیت اولیه درمنه‌زار که میزان ذخیره کربن خاک مناسبی را در نتیجه عوامل محیطی مساعدتر (پوشش گیاهی با بیوماس بیشتر) داراست، تاثیر آبیاری و کشت جو اندک و غیر معنی‌دار و حتی منجر به کاهش ذخایر کربن درمنه‌زار شده است.

جنیدی جعفری (۱۳۸۸) در بررسی تاثیر عوامل بوم‌شناختی و مدیریتی بر میزان ترسیب کربن به این نتیجه رسید که عوامل محیطی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در توان ترسیب کربن استان سمنان داشته است که مطابق با نتایج حاصله می‌باشد.

هم‌چنین نتایج Kollia et al. (2009) در بررسی تاثیر تغییر کاربری از حالت اراضی طبیعی به اراضی کشاورزی خاک‌های استونیا بیانگر کاهش میزان کربن آلی خاک بود که مطابق با نتایج مطالعه ما در منطقه سرخه می‌باشد.

Khalili et al. (2011) گزارش کردند که کاهش قابل توجهی در میزان کربن آلی خاک در نتیجه تبدیل مراتع زاگرس به اراضی زراعی حاصل شده است. هم‌چنین نتایج مطالعه (2007) Qi et al. در ارزیابی اثرات کشت گندم در استپ‌های معتدل بر میزان کربن آلی خاک بیانگر کاهش ذخایر کربن می‌باشد که نشان از آن دارد که در منطقه‌ای با شرایط محیطی مناسب تبدیل اراضی طبیعی به اراضی زراعی منجر به کاهش ذخایر کربن می‌گردد.

Guo & Gifford (2002) در بررسی میزان کربن آلی خاک و تغییر کاربری به این نتیجه رسیدند که تبدیل جنگل‌ها و گراسلندها به

- grassland. Biogeochemistry, 68 (2): 169-178.
- 11) Guo, L. B., and Gifford, R. M., (2002). Soil carbon stocks and land use change: A Meta analysis. *Global Change Biol*, 8: 345-360I.
 - 12) GBP (International Geosphere Biosphere Programmed). 1998. Terrestrial carbon working group. The terrestrial carbon cycle: Implications for the Kyoto Protocol Science, 280: 1393-1394.
 - 13) Khalili, B., Nili, N., Nourbakhsh, F., Sharifnabi, B., and Khademi, H., 2011. Does cultivation influence the content and pattern of soil proteins. *Soil and tillage research Journal*, 111: 162-167.
 - 14) Kollia, R., Ellermaea, O., kosterb, T., Lemettia, I., Asic, E., kauera, K., 2009. Stocks of organic carbon in Estonian soils. *Estonian- Journal of Earth Sciences*, 58 (2): 95-108.
 - 15) Lal, R., kimble, J. M., and Follet, R., 1998. Land use and soil C pools in terrestrial ecosystems. In: *Management of carbon sequestration in soil*. CRC, New York, pp: 1-10.
 - 16) Lal, R., 2003. Biomass and carbon sequestration of ponderosa pine plantation and native cypress forests in northwest Patagonia. *Forest Ecology and management*, 180: 317-333.
 - 17) Prentice, I. C., Farquhar, G. D., Fasham, M. J. R., Goulden, M. L., Heimann, M., Jaramillo, V. J., Ksheshgi, H. S., Le-Que're', C., Scholes, R. J., Wallace, D. W. R., 2001. The carbon cycle and atmospheric carbon dioxide. In: Houghton, J. T. Jenkins, G. J., and Ephraum, J. J., (Eds.), *Climate Change, the Scientific Basis*.
 - 18) Qi, Y. C., Dong, Y. S., Liu, J. Y., Domroes, M., Geng, Y. B., Liu, L. X., Liu, X.R., and Yang. X. H., 2007. Effect of conversion of grassland to spring wheat field on the CO2 emission characteristics in inner Mongolia, China. *Soil and tillage research*, 94: 310-320.
 - 19) Smith, P., Powlson, D. S., Glendining, M. J., Smith, J. U., (1997). Potential for carbon sequestration in European soils: Preliminary estimates for five scenarios using results from long-term
- اولین همایش ملی تحقیقات منابع طبیعی ایران، ۹۱ صفحه.
 - ۲) جنیدی جعفری، ح، ۱۳۸۸. بررسی تاثیر برخی عوامل بوم‌شناختی و مدیریتی بر میزان ترسیب کربن در رویشگاه‌های گونه درمنه دشتی (*Artemisia sieberi*). مطالعه موردی: مراتع استان سمنان. رساله دکتری رشته مرتعداری، دانشگاه تهران، ۱۱۸ صفحه.
 - ۳) جوادی، م. ر.، علی‌زاده، م. و آریا، ح.، ۱۳۹۰. بررسی و مقایسه پتانسیل ترسیب کربن خاک، مطالعه موردی: حوزه آبخیز نومه رود - لاریج. مجموعه مقالات هفتمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری، ۲۱۵ صفحه.
 - ۴) سرایبان، ل.، و نیک‌پور، ع.، ۱۳۸۸. نقش کشاورزی طبیعت‌مدار در کاهش تغییر اقلیم. کتاب ویژه نامه تغییر اقلیم و کشاورزی مروری بر کنواسیون و نشست‌های تغییر اقلیم از ریو تا کپنهاگ، دفتر محیط‌زیست و توسعه پایدار کشاورزی، ۲۰-۱۵.
 - ۵) شریفانی، ف.، ۱۳۸۴. بررسی برخی از عوامل کشاورزی در روند بیابانی شدن در دشت سگزی اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته بیابان‌زدایی، دانشگاه تهران، ۱۱۵ صفحه.
 - ۶) محمودی، ش.، و حکیمیان، م.، ۱۳۸۲. مبانی خاک‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۷۰۶ صفحه.
 - ۷) محمودی‌طالقانی، ع.، زاهدی‌امیری، ق.، عادل، ا.، و ثاقب‌طالبی، خ.، ۱۳۸۶. برآورد میزان ترسیب کربن خاک در جنگل‌های تحت مدیریت مطالعه موردی جنگل گلبن در شمال کشور، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، جلد ۱۵ (۳): ۲۴۱-۲۵۲.
 - ۸) مصداقی، م.، ۱۳۸۶. مرتع داری در ایران. مشهد: انتشارات دانشگاه امام رضا، ۳۳۳ صفحه.
 - 9) Aguilar, R., Kelly, E. F., and Heil, R. D., 1998. Effects of cultivation on soils in Northern Great plains rangeland. *Soil Science Society of America Journal*, 52: 1081-1085.
 - 10) Frank, D. A., Evans, R. D., Tracy, B. F., 2004. The role of ammonia volatilization in controlling the of a natural 15 N. abundance grazed

- 24) Schlesinger, W. H., and Andrews, J. A., 2000. Soil respiration and the global carbon cycle. *Biogeochemistry*, 48: 7-20.
- 25) Tan, Z. X., Lal, R., 2005. Carbon sequestration potential estimates with changes in land use and tillage practice in Ohio USA. *Agric. Ecosys. Environ.*, 111: 140-152.
- 26) Turner, D. P., and Koerper, G. J., 1995. A carbon budget for forests of the conterminous united states. *Ecological Society of America*, 5(2): 421-436.
- 27) Zhao, H. L., Cui, J. Y., Zhou, R. L., Zhang, T. H., Zhao, X. Y., and Drake, S., 2007. Soil properties, crop productivity and irrigation effects on five croplands of inner Mongolia. *Soil and tillage research* 93: 346-355.
- 28) Zhang, W. L., Chen, S. P., Chen, J., Wei, L., Han, X. G., and Lin, G. H., 2007. Biophysical regulations of carbon fluxes of a steppe and a cultivated cropland in semiarid inner Mongolia. *Agriculture and forest meteorology*, 146: 216-229.
- experiments. *Global Change Biol.*, 3: 67-79.
- 20) Smith, P., Powlson, D. S., Smith, J. U., Falloon, P. D., Coleman, K., (2000). Meeting Europe's climate change commitments: Quantitative estimates of the potential for carbon mitigation by agriculture. *Global change Biol.*, 6: 525-539.
- 21) Smith, P., Falloon, P., Smith, J. U., Powlson, D. S., (eds.) (2001). Soil organic matter network (SOMNET): model and experimental metadata, GCTE Report 7 (2nd Edition), GCTE Focus 3 Office, Wallingford, Oxon: 224p.
- 22) Smith, P., Falloon, P. D., Koerschs, M., Shevtsova, L. K., Franko, U., Romanenkov, V., Coleman, K., Rodionova, V., Smith, J. U., Schramm, G., (2002). Eurosomnet – a European database of long-term experiments on soil organic matter. the metadata base. *J Agric Sci.*, 138: 123-134.
- 23) Schimel, D. S., 1995. Terrestrial ecosystems and the carbon cycle. *Global Change Biol.*, 1: 77-91.

A Comparative Study of Soil Carbon Storage in *Hordeum* Cultivation and in *Artemisia Sieberi* Shrublands

M. Ebrahimi^{1*}, H. Azarnivand², M. Jafari³ and H. Joneidi-Jafari⁴

1*) Former M. Sc. Student, Range Management Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Corresponding Author: ebrahimimahshid64@gmail.com

2) Associate professor, Natural Resources Department, University of Tehran, Karaj, Iran.

3) Professor, Range Management Department, University of Tehran, Karaj, Iran.

4) Assistant professor, Faculty of Natural Resources, University of Kordestan, Sanandaj, Iran.

Abstract

Soil organic carbon storage which is mainly considered as a preliminary indicator of soil quality in natural resources, environment and agriculture studies represent the absorption of atmospheric carbon dioxide. Food and Agriculture Organization (FAO), has announced that agriculture and earth lands make one-third of global warming and climate change. This is due to inappropriate management and land use change. In this study, some areas are considered in Semnan province with *Artemisia sieberi* dominant species which conversion of nature to crop lands is common. Then, in order to determine changes in soil carbon storage in *Hordeum* fields and its adjacent rangelands a control treatment (*Artemisia sieberi* shrublands) in every site and two *Hordeum* treatments in Ivanakey and one treatment in Sorkhe were selected. Soil sampling of treatments was selected in depth of 0-50 cm and with the number of three profiles and five profiles in control areas. The average of carbon storage per hectare of *Hordeum* lands in Ivanakey was 40.3 and 30.9 ton which make 15.2 and 11.6 % of carbon storage of region. *Hordeum* cultivation in *Artemisia sieberi* shrub lands leading to increase 120.5 and 69 % content of carbon storage in Sorkhe region were 35 ton that consist of 13.6 % of total area of region and make decrease 55.2 % of carbon. The average of carbon storage in Ivanakey and Sorkhe were 16.07 and 40.2 ton /ha respectively. Results of independent t-student test imply that there is not a significant difference between carbon storage in two land use (rangeland and *Hordeum* field) as well as areas separately, Ivanakey. There is significant difference at the level of %5 but there is no significant difference in Sorkhe.

Keywords: *Hordeum* cultivation, Rangelands, Soil Carbon Storage, *Artemisia Sieberi* Shrubland, Semnan Province.